

دریچه

کولاکویوج:

می‌توانستم برای دریافت مبلغ قراردادم از ایران شکایت کنم

● سرمربی پیشین تیم ملی والیبال ایران گفت: من می‌توانستم برای دریافت مبلغ قراردادم شکایت کنم، ولی این کار را نکردم.ایگور کولاکویوج، سرمربی پیشین تیم ملی والیبال ایران که در صربستان به «استاد کسب جام» مشهور است، پس از برکناری از هدایت تیم ملی ایران در زادگاه خود «بودگورتسلا» مشغول استراحت است و به نوشته رسانه‌های لهستانی، گزینه نخست هدایت تیم «زاورچه» در لیگ برتر این کشور به حساب می‌آید.برای رسانه‌های اروپایی همچنان جالب است که چرا این مربی درحالی‌که سه‌هیمه المپیک را برای تیمش (تیم ملی والیبال ایران) کسب کرده بود، از کار برکنار شد.کولاکویوج درباره جداشدنش از تیم ملی ایران اظهار کرد: فدراسیون والیبال ایران، مشکلات مالی ناشی از کرونا را دلیل تصمیم خود عنوان کرد. قرارداد من تا اول سپتامبر ۲۰۲۰ معتبر بود، اما با توجه به تعلیق مسابقات والیبال و برگزاری آنها در سال آینده، برای طرف ایرانی، پرداخت ۱۵ ماه دستمزد بدون هیچ‌گونه فعالیتی، توجیه اقتصادی نداشت و خیلی گران بود. من می‌توانستم برای دریافت مبلغ قراردادم شکایت کنم، ولی این کار را نکردم. به نظر من حالا زمان بازگشت به فعالیت در یک باشگاه اروپایی است.کولاکویوج درباره لغو چهارمین حضورش در المپیک گفت: زندگی همین است. چه کسی انتظار شیوع چنین ویروسی را در سراسر جهان داشت؟ من فکر می‌کنم مردم، چیزهای بسیار بیشتر و مهم‌تری را نسبت به من (حضور در المپیک) از دست دادند. باید به زندگی از دریچه دیگری نگاه کرد، چون وقتی دربیسته می‌شود، درهای دیگر قفلعا باز خواهند شد. همه ما به‌خاطر گسترش ویروس کرونا ناگهان مجبور شدیم به‌خانه برگردیم و متوجه شدیم چقدر از مسائل اصلی زندگی دور و درگیر خودخواهی بودیم.سرمربی پیشین تیم ملی صربستان درباره عدم راهبایی این تیم به المپیک تصریح کرد: صربستان، قهرمان اروپاست، ولی در المپیک حاضر نیست. این نشان می‌دهد سطح تیم‌ها چقدر به هم نزدیک و کسب سهمیه المپیک از اروپا چقدر سخت است. المپیک بدون صربستان، کیفیت پایین‌تری خواهد داشت، چون اگر صربستان به المپیک می‌رسید، یکی از امیدهای کسب مدال بود. امیدوارم این اتفاق در المپیک ۲۰۲۴ پاریس بیفتد و صربستان هم در المپیک و هم در اروپا و مسابقات قهرمانی جهان، روی سکو برود.

پیروزی شطرنج‌بازان ایران مقابل برودر مسابقات اینترنتی

● تیم شطرنج آنلاین ایران در دیداری در لیگ جهانی موفق شد با نتیجه ۳ بر صفر مقابل پرو به پیروزی برسد. هشتمین دور از پیکارهای لیگ جهانی شطرنج آنلاین با پیروزی تیم ایران در هر سه بخش بولت، بلیتس و سریع برابر تیم پرو به پایان رسید. تیم ایران با نتایج ۸۷ بر ۴۷ در بولت، ۹۱ بر ۳۳ در بلیتس و با نتیجه ۵۷ بر ۳۷ در رقابت سریع به پیروزی دست یافت. در این رقابت‌ها هشت تیم در دو مرحله به مصاف هم خواهند رفت. پس از رقابت در مرحله مقدماتی، چهار تیم موفق به صعود به گروه قهرمانان خواهند شد و چهار تیم باقی‌مانده با هم خواهند جنگید تا به دسته پایین‌تر سقوط نکنند. بعد از رقابت بین چهار تیم پایین جدول، دو تیم که کمترین امتیاز را به دست آورده باشند، به لیگ دسته پایین‌تر سقوط می‌کنند و جای آنها را تیم‌هایی که موفق شده‌اند در دسته پایین‌تر بیشترین امتیاز را کسب کنند، خواهند گرفت. تیم ایران که از صعود به لیگ قهرمانان باز ماند و برای ماندن در لیگ یک تلاش می‌کرد، با این پیروزی که با حضور ۹ استادبزرگ و نزدیک به صد شطرنج‌باز صورت گرفت، موفق شد جایگاه پنجمی خود در این مسابقات را قطعی کند. همچنین با این پیروزی تیم شطرنج ایران نگرانی بابت سقوط به دسته پایین‌تر نخواهند داشت. تیم شطرنج ایران باید در هفته پایانی رقابت‌ها، یکشنبه آینده رودروزی تیم فرانسه قرار بگیرد.

برگزاری جلسه ستاد مقابله با کرونا در دوروزش بدون تصمیم‌گیری جدید

● اعضای ستاد مقابله با کرونا در ورزش در نشست امروز خود بدون تصمیم‌گیری جدید، مجدد بر پیگیری فعالیت‌های ورزشی در رشته‌های انفرادی و در شهرهای سفید تأکید کردند.نشست هفتگی ستاد مقابله با کرونا در ورزش روز گذشته به ریاست مهرداد خلیلیان، سرپرست فدراسیون پزشکی ورزشی و با حضور نماینده ستاد مقابله با کرونای استان تهران در محل این فدراسیون برگزار شد.در این نشست با لحاظکردن اعلام ستاد مرکزی مبارزه با کرونا برای طبقه‌بندی شهرها به سفید، زرد یا قرمز و همچنین وضعیت ویروس کرونا در کشور، ازسرگیری فعالیت‌های ورزشی بررسی شد.بر این اساس با توجه به سیر صعودی کرونا در برخی شهرها و استان‌ها و افزایش آمار مبتلایان به این ویروس در این مراکز، پیشنهاد و تصمیم جدیدی در رابطه با فعالیت‌های ورزشی ارائه نشد.تنها خروجی قابل توجه این نشست تأکید دوباره بر فعالیت در رشته‌های انفرادی در شهرهای سفید بود؛ موضوعی که در نشست هفته گذشته ستاد مقابله با کرونا در ورزش تصویب شده بود.

در کرج برای خودش «بچه معروف» شده بود؛



در کرج برای خودش «بچه معروف» شده بود؛

جوان‌های کرجی آن موقع، همگی می‌خواستند یکی مثل پژمان جمشیدی شوند؛ بازیکنی که از کرج به تیم بزرگی مثل پرسپولیس رسیده بود. جمشیدی آن روزها هنوز پژمان نبود! رؤیایش رسیدن به باشگاه‌های بزرگ و صد البته تیم ملی بود. با درخشش در بازی‌های تیم دانشجویی مسیر را زودتر برای رسیدن به رؤیایش طی کرد. بازوبند کاپتانی تیم دانشجویان را بر بازو می‌بست، در تیم امید ایران بازی می‌کرد و بعد هم به سایپا رسید. به غیر از دوستان نزدیکش با کسی خنده و شوخی نداشت. عبوس‌تر از چیزی بود که تصور شود روزی از او طنز تراوش کند!

با حضور در سایپا و بازی در خط دفاعی این تیم بود که دل علی پروین را برد؛ مردی که سلطان قرمزا بود و به این راحتی‌ها به کسی اجازه نمی‌داد به پرسپولیس بیاید؛ اما جمشیدی توانست به پرسپولیس برسد تا معروف‌بودنش بین کرجی‌ها بیشتر و بیشتر شود. دیگر هرکسی در کرج با به توپ می‌شد، می‌خواست راهی را برود که پژمان رفته؛ او درس می‌خواند و فوتبال بازی می‌کرد. هرچند مشخص نشد درس را برای فرار از رفتن به سربازی می‌خواند یا واقعا استعداد درخشانی داشت؛ ولی استعداد درخشان او را برادرش داشت؛ کسی که در دانشگاه شریف پذیرفته شده بود و بعدها هم از ایران رفت.

برای پژمان فوتبال مهم‌تر از درس بود؛ او می‌دانست اگر در آن روزها که این‌طور بود. درس می‌دانست اگر قرار است جایی در تیم ملی داشته باشد، باید در پرسپولیس بدرخشد؛ ولی مگر به این سادگی‌ها کسی می‌توانست به ترکیب اصلی پرسپولیس با آن همه ستاره برسد؟ جمشیدی از همان روزها آموخته بود برای رسیدن به اهدافش باید بسدود. فراتر از دودیدن باید «جان بکند». به هر جان‌کدندی بود در پرسپولیس برای خودش اعتباری به دست آورد. سمت راست خط دفاعی به میدان می‌رفت و از ترس ناسزا‌های علی پروین، بیش از چیزی که می‌شد از یک بازیکن دفاع راست انتظار داشت، می‌دوید! پژمان نمی‌خواست به این راحتی‌ها تسلیم شود. او دل سلطان بزرگ پرسپولیس را به دست آورده بود، ولی برای تماشگرانی که روی سکو نشسته بودند، بازیکن چندان بزرگی نبود؛ حداقل از آن ستاره‌هایی که برایش در خیابان سرودست بشکند نبود. در جمع پرسپولیسی‌ها در خشدید و توانست پیش پدرش فخر بفروشد که پسرش حالا در یکی از محبوب‌ترین تیم‌های ایران بازی می‌کند. او در دیدار حساسی برابر سپاهان هم یکی از مهم‌ترین گل‌های زندگی‌اش را زد. برای بازیکنی که در دفاع راست با یک شش پاچه چپ بازی می‌کند، گل‌زدن روز زیادی دارد، چه برسد به اینکه گل در دیدار مهمی برابر سپاهان هم زده شود. بازی یک – یک است و پرسپولیس نیاز مبرمی به برنده‌شدن دارد تا اینکه جمشیدی از راه می‌رسد و گل برتری را می‌زند! شاید خوش‌بین‌ترین هوادار پرسپولیس هم فکرش را نمی‌کرد کسی که گل برد تیمش به سپاهان را می‌زند، پژمان جمشیدی است! از بخت بد اما گل سرنوشته‌ساز او چندان دیده نشد، چون برق شبکه سه سیما رفته بود و کسی نتوانست به‌صورت زنده گلی را که پژمان جمشیدی زده بود، ببیند! این هم لایذ از بدشانسی کسی بود که می‌خواست ثابت کند بالاخره یک مدافع راست هم توانایی گل‌زدن را دارد. سال‌ها بعد، خودش در برنامه دورهمی درباره آن قطع برق بی‌موقع حرف زد. «وقتی گل زدم برق شبکه سه سیما رفت؛ من دیگر یادم نمی‌آید هیچ‌وقتی برق شبکه سه رفته باشد! (می‌خندد) آن دیدار جنجالی شده بود و شیشه اتوبوس‌ها و تعدادی دیگر از ماشین‌ها را شکسته بودند. من به‌خاطر گلی که در آن بازی زده بودم، خیلی خوشحال بودم، چون بازی بسیار مهمی بود. آن‌قدر خوشحال بودم که از اصهان و در داخل اتوبوس تیم به خانه زنگ زدم تا به پدرم بگویم دیدی چه گلی زدم؟ قبل از اینکه من سر صحبت را باز کنم، او به من گفت بازی چند چند شد؟ گفتیم یعنی چه؟ گفت ما فقط تا موقعی

ورزش



استعدادش را به نمایش گذاشت. دوستی‌اش با برادران قاسم‌خانی با شاید پرسپولیسی‌بودن برادران قاسم‌خانی، مسیر را برای انتقال جمشیدی به پژمان هموارتر کرد. صداسیما دنبال یک بازیکن فوتبال حرفه‌ای بود که نقش پژمان را بازی کند؛ آن زمان که برادران قاسم‌خانی گفتند چه کسی بهتر از خود پژمان جمشیدی! دیگر شوخی‌شوخی همه چیز داشت جدی می‌شد. پژمان می‌گوید در ابتدا تردید داشته و کاملا اتفاقی درهای سینما و تلویزیون به رویش باز شده است؛ «اوایل خیلی تردید داشتم. با هرکسی مشورت می‌کردم، می‌گفتند این کار را نکن؛ ولی بعد که سریال پژمان گرفت، همان افراد می‌گفتند چرا زودتر سراغ

جمشیدی در سریال پژمان، شاید نقش خودش را بازی کرد؛ فوتبالیست از دور خارج‌شده که تلاش می‌کند همچنان روی بورس بماند. شوخی‌های آتش از جنس فوتبالی‌ها، کری‌خوانی‌ها به‌ویژه با خسرو حیدری، مدافع راست وقت استقلال و به‌وسطکشیدن پای دیگر بازیکنان فوتبالی به آن سریال، بازی پژمان را در دل خودش راحت کرد.

«پژمان» آن‌قدر محبوب شده بود که دیگر کسی به جمشیدی فوتبالیست که روزی توانسته بود در ترکیب تیم ملی به میدان برود، فکر نمی‌کرد.

البته همان زمان انتقادها از او هم زیاد بود؛ کسی نمی‌خواست بازیکن قدیمی فوتبال را که احتمالا به خاطر دیدن دوربین جویده شده، جدی بگیرد؛ می‌گفتند یکی از آن چند بازیکن مطرحی است که چندصاحبی بازی می‌کند و خودش پی می‌برد به در این رشته نمی‌خورد و می‌گذارد می‌رود. درخشیدن در آن سریال، دیگر مسیر را برای جمشیدی هموار کرده بود تا به عشق دیگرش یعنی بازیگری ادامه دهد. فوتبالی‌ها از کارش تعریف و او را دلگرم کردند تا به مسیر ادامه دهد؛ «راستش را بخواهید، علی پروین در کل دوران فوتبالم یک بار هم به من زنگ نداد؛ ولی بعد از بازی در این سریال با موبایل شخصی‌اش به من زنگ زد! باورتان می‌شود؟». پژمان اما می‌خواست همه چیز را اصولی یاد بگیرد؛ عشق بازی‌کردن در تاتار در وجودش ریشه دوانیده بود؛ به سمت تاتار رفت و بازی جدی روی صحنه با کارگردان‌های جدی‌تر او تجربه کرد. اعتقاد داشت آنهایی که از تاتار می‌آیند، بسیار محترمانه‌تر هستند و قابل احترام؛ ولی خیلی زود فهمید در این عرصه هم باید پیه فحاشی‌ها را به جان بخرد، «من همیشه این را می‌دانستم که تاتار جای محترمی است و آدم‌هایی که از تاتار می‌آیند، بسیار آدم‌های محترمی هستند؛ اما این موضوع را نمی‌دانستم که عرصه تاتار آن‌قدر محصور است.

فحش‌هایی که برای بازی در این کار به من داندن، زمانی که در پرسپولیس بازی می‌کردم، از علی پروین نخورده بودم!». **صداها پیشنهاد سینمایی** او اما شاید درست مثل وقتی که با جواد نکونام هم‌قسم شدند تا با تمام وجود تمرین کنند، با خودش عهد بست از انتقادها پل‌ی بسازد برای رسیدن به موفقیت. به همین دلیل بود که پیشنهادهای زیادی برای بازی‌کردن به دستش رسید. پیشنهادهایی که بیشترشان حال و هوای طنز داشت. البته از تاتار هم دور نشد و به طرز عجیبی الان می‌توان گفت تعداد تئاترهایی که پژمان بازی کرده از تعداد فیلم‌های سینمایی او بیشتر است. برای پژمان بازی در دو فیلم سینمایی ۵۰ کیلو آلبالو و خوب، بد، جلف حکم جهشی باورنکردنی داشت؛ دیگر هر کارگردانی که می‌خواست در سینما فیلم طنز بسازد به سراغ او می‌رفت. آن‌قدر پیشنهاد به دستش رسید که تبدیل شد به یکی از پرکارترین بازیگران سینمای ایران. «نقدهای زیادی به من وارد می‌کنند. مثلا می‌گویند چرا این‌قدر فیلم بازی می‌کنی؟ ولی واقعا از صد پیشنهادی که در سال می‌شود شاید چهار یا پنج‌تایش را بپذیرم. تقریبا همه فیلم‌نامه‌های کم‌دردی را برایم می‌فرستند. همین کم‌دیی‌هایی که الان روی پرده‌اند و نمی‌فروشند به من پیشنهاد شده است، خواندم و حس زدم برای مخاطب جذاب

نخواهند بود. یعنی صرف کم‌دی بودن یا پیشنهاد مالی مناسب برایم ترغیب‌کننده نیست».

روزی که پژمان مسخره شد

برای پژمان که می‌گوید در طول ۱۰ سال بازیگری شاید روزهای کار و تلاش‌نکردنش برای ارتقا در سینما مجموعا سه ماه هم نمی‌شود فقط شخصیت‌های طنز نمی‌توانست ارضاکنده باشد؛ می‌خواست ریسک کند و درست مثل همان وقت‌هایی‌که به عنوان یک مدافع در خط حمله تیم ملی بازی کرد، دل به دریا بزند تا کارهای دیگری را هم تجربه کند. نقش‌های تا حدودی متفاوتش باعث شد تا در سی و ششمین جشنواره فیلم فجر برای بازی در فیلم سوءتفاهم، ساخته احمدرضا معتمدی کاندیدای دریافت جایزه بازیگر

مکمل نقش مرد شود؛ اتفاقی‌که یکی از روزهای تلخ عده‌ای از خبرنگاران سینمایی را رقم زد؛ وقتی محمدرضا فروتن نام پژمان را به عنوان کاندیدا خواند، خنده از روی تمسخر عده‌ای از خبرنگاران و حضار در سالن آن‌قدر بلند بود که مجبور شدند تذکر دهند تا جو آرام شود! انگار آنها نمی‌خواستند ببیزندن فوتبالیستی که سال‌ها دنبال توپ دویده حالا چشم به سیمرغی بدوزد که باید به اهلس برسد! خودش اما در اینستارگرام نوشت: «۴ سال فحش، ۴ سال تهمت، ۴ سال فشار، ۴ سال صبر، ۴ سال تلاش؛ و حالا من کاندیدای بهترین بازیگر سینمای ایران؛ چقدر جای مادرم خالی است، آفریدگار را شکر. تریک به همه کاندیداها، افتخار می‌کنم به حضور در کنارشان». خنده‌های از روی تمسخر حضار اما به مذاق گردن‌گلفت‌های سینما خوش نیامد؛ همان‌هایی که برایشان کاندیداشدن این پسر عجیب برده بودند؛ بریز پرستویی، نوید محمدرزاد، ویشکا آسایش، امیر آقایی و چندتایی دیگر به او تریک گفتند تا نشان دهند این در به روی بازیکن سابق و بازیگر فعلی باز است. حتی علی پروین هم ابراز امیدواری کرد با بردن سیمرغ، پژمان پاسخی به آنها بدهد که برایشان کاندیداشدن این پسر عجیب و غریب بوده است. پروین کمی بعد گفت: «خیلی دوست داشتم پژمان سیمرغ را بگیرد ولی این اتفاق نیفتاد. فکر می‌کنم در ابتدای راه قرار دارد و می‌تواند در آینده سیمرغ بگیرد». جمشیدی به سیمرغ نرسید ولی به باور دیگری رسید که می‌توان با تلاش و کوشش به کارهای بزرگ‌تر هم دست زد. او بعد از سونقافه ۹ فیلم سینمایی دیگر بازی کرد که تقریبا همگی با استقبال خوبی روبه‌رو شدند.

سریال محبوب

با این حال شاید بازگشتش به تلویزیون در همین سال و همین روزهاست که دوباره نشان داد جمشیدی چقدر از قالب فوتبال فاصله گرفته و تا چه اندازه به پژمان و دنیای بازیگری نزدیک شده است. او این روزها ستاره سریالی طنز به نام زرخاکی است که «تقریبا» یک‌تته بار سریال را به دوش می‌کند؛ این بار با کریم و کاراکتری متفاوت‌تر از چیزی که می‌شد از پژمان جمشیدی انتظار داشت. درست در روزهایی که سیما حسابی قافیه را به شبکه‌های ماهواره‌ای باخت، دوباره با گل‌کردن چهره فوتبالیست قدیمی، اقبال اندکی به تلویزیون رو کرده تا مگر، کمی از آب رفته به جوی برگردد. نه اینکه پژمان قرار است نجات‌دهنده سینما و تلویزیون باشد چون خودش به‌خوبی می‌داند هنوز باید در این عرصه شاگردی کند. خودش خوب می‌داند هنوز استاندار بزرگی هستد که باید در کنارشان درس بیاموزد. خودش خوب می‌داند که اگر درجا بزند، کارش ساخته است؛ درست مثل همان وقت‌هایی که فوتبال بازی می‌کرد و اگر توپ پشت سرش به دست مهاجم می‌رسید و به او نمی‌رسید، علی پروین با آن ادبیات خاص در رختکن منتظرش بود.

پژمان از فوتبال آموخته که «جان‌نکندن» چه عواقبی برایش دارد؛ او آن درس را آویزه کوشش کرده تا دوباره ستاره این روزهای تلویزیون شده است. ستاره‌ای که شاید بدش نیاید به همان افرادی که کاندیداشدنش را به سرخه گرفته و با صدای بلند به شنیدن نامش می‌خندیدند، بگوید: «کجای کاری شما؟!».

خبر

چرا فدراسیون فوتبال به «عمومی غیردولتی» بودن رضایت داد؟

● رئیس سازمان اقتصادی فدراسیون فوتبال می‌گوید نمی‌توان از کمک‌های دولتی بدون نظارت استفاده کرد و مجبور هستند برای پرداخت بدهی‌های خود با دولت هماهنگ باشند.به گزارش ایسنا، تعریف فدراسیون فوتبال به‌عنوان نهاد «عمومی غیردولتی» در اساسنامه جدید نگرانی‌هایی را درباره تأیید اساسنامه جدید به وجود آورده است. از سوی دیگر، نمایندگان مجلس و دولت معتقدند طبق قانون، کمک‌های دولت شامل نهادهایی می‌شود که دولت بر عملکرد آنها نظارت داشته باشد و فدراسیون فوتبال هم از این موضوع مستثنا نیست.صادق درودگر، رئیس سازمان اقتصادی فدراسیون فوتبال، درباره تعریف این فدراسیون به‌عنوان نهاد عمومی غیردولتی می‌گوید: وقتی فدراسیون فوتبال از کمک‌ها و مواهب دولت برخوردار می‌شود، مشمول تعریف نهادهای عمومی غیردولتی می‌شود. نمی‌توانیم کمک دولتی را بدون نظارت دریافت کنیم.او با اشاره به بدهی‌های موجود در این فدراسیون گفت: باید وضعیتمان را با دولت هماهنگ کنیم تا بتوانیم کارهایمان را انجام دهیم. ما درحال حاضر ۱۲۰ تا ۱۳۰ میلیارد تومان بدهی داریم که نیازمند کمک‌های دولتی است. ما مانند سایر فدراسیون‌ها نیستیم که درآمد بسیار زیادی داشته باشیم و حتی در شرایطی که کرونا شیوع پیدا کرده، به کشورهای دیگر هم کمک کنیم. بعد از سال‌ها کشمکش و اختلاف‌نظر در تعریف ماهیت فدراسیون فوتبال، تیم کنونی این فدراسیون درحال‌حاضر پذیرفته که این نهاد زیر نظر دولت فعالیت کند تا از کمک‌های دولتی هم برخوردار شود و درعوض مشمول قوانین جاری کشور شود، اما مسئله مهم این است که آیا فیفا می‌پذیرند یا خیر. در صورتی که اساسنامه جدید مورد تأیید فیفا قرار گیرد، بازنشستگان این فدراسیون که همچنان در هیئت‌رئیس‌ه فعالیت می‌کنند، باید راه خروج از این مجموعه را در پیش بگیرند که در گذشته محل اختلاف مسئولان بود.

محمد بنا:

چرخه انتخابی شبیه همان روشی است که من انجام می‌دادم

● سرمربی تیم ملی کشتی فرنگی با بیان اینکه چرخه جدید انتخابی تیم ملی شبیه همان روشی است که او انجام می‌داد، گفت: البته ایرادات و ریزه‌کاری‌هایی دارد که با جلسات بررسی بیشتر کامل می‌شود.محمد بنا پس از حضور در جلسه با علیرضا دبیر، رئیس فدراسیون کشتی، برای بررسی نحوه اجرای چرخه انتخابی تیم ملی اظهار کرد: پس از چندوقت دوری از خانه کشتی به‌خاطر گرفتاری‌هایی که داشتم، خوشبختانه جلسه خوبی در رابطه با چرخه انتخابی برگزار شد.سرمربی تیم ملی کشتی فرنگی افزود: خدا را شکر انتخابی نهایی‌به چرخه انتخابی تبدیل شده؛ به این معنا که این چرخه به کادر فنی اجازه می‌دهد در مدت زمانی که دارد، کشتی‌گیران را در مسابقات مختلف آزمایش‌های مختلف بکند. البته ایرادات و ریزه‌کاری‌هایی را دارد که نیاز به بررسی دارد که امروز مقداری از آن انجام شد. ان‌شاءالله در ادامه نیز جلساتی با حضور حمید سوریان و دبیر خواهیم داشت تا به نتیجه بهتری برسیم.بنا ادامه داد: متأسفانه برخلاف صحبت‌هایی که می‌شود، اگر طی دو سال پیش را نگاه کنیم، می‌بینیم که مسابقات انتخابی تیم ملی را به صورت چرخه‌ای انجام دادیم. این نیز به شکل همان طرحی است که من در سال‌های قبل انجام می‌دادم که شاید نواقصی دارد یا در برخی موارد کامل‌تر از آن است. این موضوع قابل بحث و بررسی است که در جلسات بعدی کامل‌تر خواهد شد.

پایان بلاتکلیفی حدادی با پیشنهاد یائو مینگ؟

● با پیشنهادهایی که از سسوی رئیس مشهور فدراسیون بسکتبال چین شده، حامد حدادی امیدوار است از بلاتکلیفی خارج شود. به گزارش «ورزش سه»، لیگ برتر بسکتبال چین که در سال‌های اخیر مقصد برخی از لژیونرهای ایرانی بوده، همچنان وضعیت نامشخصی دارد. با اینکه باشگاه نانجینگ از اوایل فروردین، حامد حدادی و دیگر بازیکنان خارجی خود را برای شروع تمرینات به چین فراخواند، همچنان تاریخ ازسرگیری این مسابقات مشخص نیست. سنتر ۲۱۸ سانتی‌متری ایران هم در چین به سر می‌برد و تمریناتش را پیگیری می‌کند تا مسابقات آغاز شود؛ اگرچه این بلاتکلیفی برای حدادی محدودکننده شده است. یائو مینگ، ستاره سابق بسکتبال چین که هم‌اکنون ریاست فدراسیون بسکتبال این کشور را بر عهده دارد، بهتازگی سه پیشنهاد را برای ادامه مسابقات به مسئولان ورزش چین ارائه کرده و خواسته هرچه سریع‌تر یکی از آنها را انتخاب کنند. گزینه اول برگزاری کامل لیگ و گزینه دوم انجام مسابقات با تعداد بازی محدود و پیشنهادی بعدی رئیس فدراسیون چین پایان دور مقدماتی و برگزاری مستقیم مرحله پلی آف است. البته به نظر می‌رسد تا زمان شروع تمرینات گروهی و بعد از آن مسابقات بسکتبال سوپرلیگ چین همچنان فرصت زیادی باقی مانده است.